

همسفر حج

مردی از سفر حج برگشته ، سرگذشت مسافرت خودش و همراهانش را برای امام صادق تعریف می‌کرد...



مردی از سفر حج برگشته ، سرگذشت مسافرت خودش و همراهانش را برای امام صادق تعریف می‌کرد ، مخصوصا یکی از همسفران خویش را بسیار می‌ستود که ، چه مرد بزرگواری بود ، ما به معیت همچو مرد شریفی مفتخر بودیم . یکسره مشغول طاعت و عبادت بود ، همینکه در منزلی فرود می‌آمدیم او فوراً به گوشه‌ای می‌رفت ، و سجاده خویش را پهن می‌کرد ، و به طاعت و عبادت خویش مشغول می‌شد .

امام : " پس چه کاری او را انجام می‌داد ؟ و که حیوان او را تیمار می‌کرد ؟ " - البته افتخار این کارها با ما بود . او فقط به کارهای مقدس خویش مشغول بود و کاری به این کارها نداشت . - " بنابر این همه شما از او برتر بوده‌اید "